



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

Volume 2, Issue 4, 2022

## A Victimological Approach to Persons with Different Sexual-Gender Traits and Types (Queers) from the Legislative and Islamic Perspectives

Seyed Erfan Qaderi<sup>1</sup>, Mehrdad Rayejian Asli<sup>\*2</sup>, Mozghan Amrollahi Biyoki<sup>3</sup>, Tahmoures Bashiriyeh<sup>4</sup>

1. PhD Student, Department of Law, Emirates Branch, Azad University, Dubai, United Arab Emirates.

2. Visiting Assistant Professor, Emirates Branch, Azad University, Dubai, United Arab Emirates; Faculty Member, Department of Law and Jurisprudence, Humanities Research and Development Institute (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Law, south Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

4. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Sciences, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran.

### ARTICLE INFORMATION

**Type of Article:**

**Original Research**

**Pages: 127-138**

**Corresponding Author's Info**

**ORCID:** 0000-0003-0693-1888

**TELL:** +989111540904

**Email:** m.rayejian@samt.ac.ir

**Article history:**

**Received:** 11 Oct 2022

**Revised:** 20 Nov 2022

**Accepted:** 22 Nov 2022

**Published online:** 22 Dec 2022

**Keywords:**

*Victims, Sexual Abuse, Queers, Sexual Identity.*

### ABSTRACT

Persons with different sexual-gender traits and types (Queers) are considered people with gender disorder, and in this paper, an attempt is made to investigate the victimological approach to these people from the perspective of law. This article is descriptive and analytical, and this issue is investigated using the library method. From the perspective of initial victimology, these people are exposed to being victim for reasons such as depression, personality disorder, and gender identity disorder. From the perspective of secondary victimology, both in the stage of crime detection and preliminary investigation in cases such as participation in the preservation of the scene and examination of the place, and in the stage of criminal proceedings in cases such as the necessity of the presence of a lawyer, openness and speeding up the proceedings and summoning or arresting offenders or victims, attention is required. However, it cannot be said that this is a special and differential support for people with certain sexual and gender characteristics (Queers). Given the vulnerability of Queers, it is necessary for legislator to act a kind of differential and supportive approach towards them.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2022 The Authors.

**How to Cite This Article:** Qaderi, SE; Rayejian Asli, M; Amrollahi Biyoki, M & Bashiriyeh, T (2022). A Victimological Approach to Persons with Different Sexual-Gender Traits and Types (Queers) from the Legislative and Islamic Perspectives". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 2(4): 127-138.



انجمن علمی فقه‌های تطبیقی ایران

# فصلنامه فقه‌های تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌های تطبیقی

دوره دوم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۱

## رویکرد بزه‌دیده‌شناختی به افراد دارای خصلت و منش جنسی - جنسیتی خاص (کوئیرها) از منظر تقنینی و اسلامی

سید عرفان قادری<sup>۱</sup>، مهرداد رایجیان اصلی<sup>۲\*</sup>، مزگان امراللهی بیوکی<sup>۳</sup>، تهمورث بشیریه<sup>۴</sup>

۱. دانشجوی دکتری تخصصی، گروه حقوق، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، دبی، امارات متحده عربی.

۲. استادیار مدعو، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، دبی، امارات متحده عربی؛ عضو هیأت علمی گروه حقوق و فقه پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی. (نویسنده مسؤول)

۳. استادیار، گروه حقوق، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۴. استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

### چکیده

افراد دارای خصلت و منش جنسی - جنسیتی خاص (کوئیرها) در شمار افراد دارای اختلال جنسیتی محسوب می‌شوند که چندان به آنها پرداخته نشده است. در این مقاله تلاش شده رویکرد بزه‌دیده‌شناسی نسبت به این افراد از منظر حقوق بررسی شود. مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی و با استفاده از روش کتابخانه‌ای سازمان‌دهی شده است. یافته‌های مقاله نشان می‌دهند که از منظر بزه‌دیده‌شناسی نخستین، این افراد به دلایلی چون افسردگی، اختلال در شخصیت و اختلال در هویت جنسی در معرض بزه‌دیدگی قرار دارند. این افراد هم در مرحله کشف جرم و تحقیقات مقدماتی (شامل مشارکت در حفظ صحنه و معاینه محل و ضبط آلات و ادوات جرم)، و هم در مرحله دادرسی کیفری (در مواردی از قبیل ضرورت حضور وکیل، علنی بودن و تسریع دادرسی و احضار بزه‌دیده و مطلعین واقعه و جبران خسارت) نیازمند تدابیر حمایتی قانونی و حقوقی هستند. اگرچه نمی‌توان این اقدامات حمایتی را خاص کوئیرها دانست. مقاله نتیجه می‌گیرد که با توجه به آسیب‌پذیری این گروه از افراد، اتخاذ یک رویکرد افتراقی در سطح سیاست‌گذاری جنایی ضروری است.

### اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۲۷-۱۳۸

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد آرکاید: ۱۸۸۸-۰۶۹۳-۰۰۰۳-۰۰۰۰

تلفن: +۹۸۹۱۱۱۵۴۰۹۰۴

ایمیل: m.rayejian@samt.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۹

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۱/۰۸/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۰۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۰/۰۱

واژگان کلیدی:

بزه‌دیده، سوءاستفاده جنسی، کوئیرها،

هویت جنسی.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

## مقدمه

یکی از مهم‌ترین نیازهای بزهدیدگان حمایت از آنها در برابر با بزه‌کاران است. با گذار از دوران انتقام‌های شخصی و قبیله‌ای که باعث گسترش کینه و عداوت بین افراد جامعه بود و تدوین قوانینی جهت مجازات مجرم، حمایت از بزهدیده در کیفر دادن بزه‌کار به نحو قانونی بیشتر شد. به رغم تلاش‌هایی که برای حمایت از جامعه بزهدیده و قربانی در قرون اخیر شکل گرفته اما حمایت از بزهدیدگان در خصوص بعضی اقسام جامعه همواره محل بحث و نظر است. کوئیرها از جمله این دسته هستند. در واقع وضعیت خاص کوئیرها به بررسی رویکرد بزهدیده‌شناسی از منظر فقه و حقوق در خصوص آنها را به یک ضرورت مبدل ساخته است. کوئیرها به واسطه وضعیت خاصشان بیشتر از افراد عادی در معرض جرم و جنایت قرار دارند و احتمال اینکه در ارتکاب جرایم (مخصوصاً جرایم جنسی) مورد سوءاستفاده دیگران قرار بگیرند، بسیار بالاتر از سایرین است به نحوی که سوءاستفاده‌های جنسی و مالی فراوانی از این افراد در شبکه‌ها و وبسایت‌های مستهجن می‌شود و با توجه به وضعیت خاص آنها با قرار دادن آنها در حالت‌های توأمان فاعل و مفعول جنسی به فروش تصاویر و فیلم‌های این افراد در سطح وسیع و با تبلیغات فراوان دست می‌شود، و با در نظر گرفتن اینکه امکان سوء استفاده جنسی از این افراد زیاد است ممکن است کسانی تمایل به برقراری رابطه جنسی و یا سوءاستفاده‌های دیگر جنسی از این افراد داشته باشند و یا مرتکب چنین عملی شوند. در این مقاله تلاش شده به رویکرد بزهدیده‌شناسی به کوئیرها از منظر فقه و حقوق کیفری پرداخته شود.

تألیفات متعددی در زمینه افراد دوجنسیتی و دارای اختلال جنسیتی انجام شده است: پیمان عباسیان، سمانه ملک پور و نسیم رحیق اغصان، در مقاله‌ای به بررسی حقوق بیماران ترانس سکشوال بعد از تغییر جنسیت در قانون ایران پرداخته‌اند (عباسیان و همکاران، ۱۳۹۸). سوفیا دیوسالار مهاجر، بیت اله دیوسالار و فخراله ملایی کندلوس نیز در مقاله‌ای، قصاص دوجنسی‌ها در اسلام را مورد بررسی قرار داده‌اند (دیوسالار مهاجر و همکاران، ۱۴۰۰). همچنین مسعود

مظفری زاده، در مقاله‌ای، دیدگاه فقهی حقوقی به بیماران دارای اختلال هویت جنسی قبل و بعد از تغییر جنسیت را مورد بررسی قرار داده است (مظفری‌زاده، ۱۴۰۱). اما رویکرد بزهدیده‌شناسی به کوئیرها از منظر فقه و حقوق کیفری چندان مورد توجه قرار نگرفته است. هدف مقاله حاضر تبیین رویکرد بزهدیده‌شناختی فقه و حقوق کیفری ایران نسبت به افراد دارای خصلت و منش جنسی-جنسیتی خاص (کوئیرها) است. نوآوری مقاله نیز در همین نکته نهفته است. در مقاله حاضر تلاش شده به این سؤال مهم پرداخته شود که از منظر فقهی حقوقی، رویکرد بزهدیده‌شناسی به کوئیرها چگونه قابل تحلیل است؟ فرضیه مقاله نیز بدین شکل قابل طرح است که «حمایت از بزهدیده در فقه و حقوق کیفری ایران تابع سیاست جنایی حمایت از بزهدیده به صورت کلی بوده و رویکرد افتراقی در این خصوص وجود ندارد». به منظور بررسی سؤال و فرضیه مورد اشاره، ابتدا به بحث نظری پرداخته شده سپس رویکرد بزهدیده‌شناسی نخستین و در ادامه از رویکرد بزهدیده‌شناسی دومین نسبت به کوئیرها بحث شده است.

## ۱- ماهیت کوئیرها

از مهم‌ترین وجوه هویت آدمی، هویت جنسی او است. این که آدمی را زن بنامیم یا مرد، پس از هستی و حیات او مهم‌ترین وجه شناسایی و ارزش‌گذاری هر فرد توسط خود و محیط پیرامون آن فرد است. این نقش‌ها به کودک آموخته شده و او را در جهت تقویت رفتارهای متناسب با جنسیت او تشویق می‌کنند. لیکن این فرایند طبیعی که در اکثریت موارد با موفقیت طی می‌گردد، در پاره‌ای موارد مسیر متفاوتی را می‌گذراند. به طوری که کودک در جهان هویت جنسی خویش، در تعلق خود به یکی از دو جنس دچار تردید شده یا کاملاً خود را متعلق به جنس مخالف جنسیت بیولوژیک خویش می‌داند که در این شرایط دچار اختلال هویت جنسی می‌شود. چنین وضعیتی معمولاً با رشد کودک ادامه می‌یابد و در مواردی نیز به قوت ادامه یافته و به حداکثر شدت خود می‌رسد یعنی تقاضای فرد برای تغییر مشخصات آناتومیک خود به صورت جنسیتی که فرد خود را متعلق به آن می‌داند، که به این دسته از افراد کوئیر گفته می‌شود. کوئیرها افرادی

نظریه درماندگی آموخته شده: متعاقب رویدادهای ناگوار خارجی، توجیحات علی درونی به وجود می‌آیند که سبب از بین رفتن عزت نفس می‌گردند (کاپلان و سادوک، ۱۳۹۲: ۹۶/۲).

این دو نظر مطابقت کامل با وضعیت کوئیرها دارند؛ زیرا آنها در خانواده و جامعه دچار فشارها و اذیت‌های بسیاری هستند، به همین دلیل فرد، خود را در کارها مورد تبعیض و از نظر اجتماعی مطرود و حتی منفور خانواده خویش می‌بیند و اصولاً به فکر خودکشی‌اند. پژوهش‌های اجرا شده در مورد میزان اقدام به خودکشی بیماران اختلال هویت جنسی در ایالت متحده از ۱۶٪ تا ۳۷٪ را گزارش داده‌اند که البته فقط ۳ الی ۴٪ به مرگ منتهی می‌شود و در ایران این آمار ۶۵٪ گزارش شده است (مهرآور مؤمنی و شعاع‌کازمی، ۱۳۹۰: ۸۴). مصرف هورمون به‌عنوان یکی از روش‌های درمانی و جزء جدایی‌ناپذیر درمان کوئیرها است. این افراد به دلیل آنکه از ظاهر و صفات دومین خود ناراضی هستند و تمایل دارند از گسترش بیشتر این صفات جلوگیری کنند، گاه به صورت سرخود و بدون نظارت پزشک اقدام به مصرف هورمون می‌نمایند که این امر عوارضی دارد. از مهم‌ترین عوارض مصرف هورمون تغییر ناگهانی در احساسات و افسردگی می‌باشد.

یکی از بیشترین ارتباطات میان افسردگی و بزه‌دیدگی زمانی است که باور عمیق فرد نسبت به بی‌اصل بودن زندگی چنان او را ناامید کند که به‌عنوان هدف جرم قرار گیرد. گرایش به بزه‌دیدگی در بین افسردگان بیش از افراد بهنجار است و در نتیجه می‌توان گفت که میان اختلال افسردگی با بزه‌دیدگی رابطه‌ای مثبت وجود دارد.

## ۲-۲- اختلال شخصیت

اختلال شخصیت به‌عنوان یکی از دلایل بزه‌دیدگی دارای انواع مختلفی است. بیماری پارانوئید از جمله این اختلال‌ها است که در میان کوئیرها شایع است که هذیان و توهم از نشانه‌های اصلی آن است و در بزه‌دیدگی بیمار نقشی پررنگ دارد (کلارنس، ۱۳۶۹: ۳۹۸). مشخصه بیماران مبتلا به اختلال پارانوئید، شکاکیت و بی‌اعتمادی دیرپا به همه افراد

هستند که هویت جنسیتی خود را منحصراً مرد یا زن نمی‌دانند (موحد و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۳۷). ویژگی‌هایی که کوئیرها در توصیف هویت جنسیتی خود به کار می‌برند با دسته‌بندی رایج دوگانه‌گرایی جنسیت یعنی زن و مرد مطابقت ندارد. کوئیرها می‌توانند زیر چتر تراجنسیتی قرار بگیرند، چرا که بیشتر این افراد هویت جنسیتی متفاوتی از جنسیت انتسابی خود دارند. با این حال بعضی از کوئیرها ممکن است خود را تراجنسیتی ندانند. کوئیرها ممکن است هویت جنسیتی خود را بین دو جنسیت، هر دو جنسیت، جنسیتی جداگانه (جنس سوم) یا بی‌جنسیت بدانند. هویت جنسیتی بعضی از افراد کوئیر بین چند جنسیت در نوسان است (هاشمی، ۱۳۹۸: ۲۳). ممکن است فرد کوئیر هویت‌های جنسیتی را رد کند و به جنسیت خود برچسب نزند. تمام این مفاهیم با یکدیگر متفاوت‌اند ولی نقطه اشتراک آنها عدم پیروی از دسته‌بندی رایج دوگانه‌گرایی جنسیت است.

## ۲- علت‌شناختی بزه‌دیدگی کوئیرها

در بزه‌دیده‌شناسی نخستین، به نقش افراد در بزه‌دیدگی بر اساس ویژگی‌هایی مانند ویژگی‌های فیزیولوژیک پرداخته می‌شود. در این قسمت تلاش شده نقش علت‌شناسانه کوئیرها در بزه‌دیدگی بررسی شود.

## ۲-۱- افسردگی

افسردگی از انواع اختلالات خلقی است که حالات و تظاهرات کلینیکی نشانگر یک حالت غمگینی، دل‌تنگی، بی‌تحرکی و آشفتگی ادراک است (محسنی تبریزی، ۱۳۸۱: ۶). در خصوص ابتلاء به افسردگی دو نظریه مطرح گردیده است: ۱- نظریه شناختی: طبق این نظریه، افسردگی در نتیجه تحریف‌های شناختی خاصی به وجود می‌آید که در افراد مستعد افسردگی وجود دارد. آرون بک<sup>۱</sup> برای افسردگی سه دلیل مطرح کرد: الف) دیدگاه‌های مربوط به خود یعنی دید منفی نسبت به خود؛ ب) دیدگاه‌های مربوط به محیط یعنی تمایل به تجربه جهان به‌گونه متخاصم و پرتوقع؛ ج) دیدگاه‌های مربوط به آینده یعنی انتظار رنج و ناکامی. ۲-

<sup>۱</sup>- Aaron Beck

بزه‌دیده‌شناسی دومین بر حمایت از بزه‌دیده‌ها دلالت دارد. در حقوق کیفری ایران، رویکرد بزه‌دیده‌شناختی ویژه و خاصی نسبت به اشخاص دارای خصلت و منش جنسی جنسیتی خاص (کوئیرها) اتخاذ نشده است. یکی از اقدامات ضابطین دادگستری در کاهش آسیب‌ها و خسارات ناشی از جرم و حمایت از بزه‌دیده، کشف جرم است. کشف جرم یکی از مراحل مهم و حساس پی‌جویی انتظامی است. بر اساس ماده ۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، «ضابطان دادگستری درباره جرایم مشهود، تمام اقدامات لازم را به منظور حفظ آلات، ادوات، آثار، علائم و ادله وقوع جرم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم و یا تبانی، به عمل می‌آورند، تحقیقات لازم را انجام می‌دهند و بلافاصله نتایج و مدارک به دست آمده را به اطلاع دادستان می‌رسانند. همچنین چنانچه شاهد یا مطلعی در صحنه وقوع جرم حضور داشته باشد، اسم، نشانی، شماره تلفن و سایر مشخصات ایشان را اخذ و در پرونده درج می‌کنند». همچنین یکی از مهم‌ترین اقدامات ضابطین دادگستری در حمایت از بزه‌دیده و کاهش آسیب‌های ناشی از جرم، جلوگیری از فرار، مخفی یا تبانی بزهکار است که عمدتاً از طریق دستگیری و بازداشت او صورت می‌گیرد. در جرایم مشهود، ضابطین دادگستری حق دستگیری و بازداشت بزهکار را دارند، ولی در جرایم غیرمشهود باید با اجازه مخصوص مقام قضایی باشد. یکی از اقدامات لازم در خصوص جرایم، حفظ صحنه و معاینه محل جرم است که می‌تواند با مشارکت بزه‌دیده انجام شود. ماده ۷۸ قانون آیین دادرسی کیفری در این خصوص مقرر می‌دارد: «معاینه محل توسط قاضی دادگاه و یا قاضی تحقیق و یا به دستور آنان توسط ضابطین دادگستری و یا اهل خبره مورد وثوق قاضی، انجام می‌شود. هنگام معاینه محل اشخاصی که در امر جزایی شرکت دارند می‌توانند حاضر شوند، لکن، عدم حضور آنان مانع انجام معاینه محل نخواهد شد.» در این خصوص پلیس نیز که متصدی معاینه محل می‌شود بایستی تمام آنچه می‌بیند و مشاهده می‌نماید به طور دقیق بنویسد و توجه کامل داشته باشد تا آثار جرم به هنگام معاینه محل از بین نرود.

### ۳-۲- مرحله دادرسی

در این قسمت از حمایت از بزه‌دیدگی کوئیرها در مرحله دادرسی بحث می‌شود. بزه‌دیده در سیستم عدالت کیفری

است. مسؤولیت این احساسات از نظر آنها نه به عهده خود آنها، که بر دوش دیگران است (کاپلان و سادوک، ۱۳۹۲: ۴۱۶). پارانوئید از جمله اختلالاتی است که افراد دارای خصلت و منش جنسی و جنسیتی خاص به آن مبتلا هستند (ستوده و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۶۶).

از دیگر موارد اختلال شخصیت، اختلال شخصیت مرزی است. از ویژگی‌های شخصیت مرزی می‌توان به خودزنی‌های مکرر، تغییر دادن اهداف و ارزش‌ها، تغییرات ناگهانی در عقاید و نقشه‌ها درباره شغل، هویت جنسی، ارزش‌ها و سنخ‌های دوستان، از دست دادن مکرر شغل، تحصیلات متناوب، رفتار تکانشی، خرج کردن غیرمسئولانه پول، پرخوری، سوءمصرف مواد، رفتار جنسی نادرست، رانندگی بی‌پروا، گرایش به خودکشی، حرکات نمایشی و رفتار خود آسیب زنده اشاره کرد. مبتلایان به اختلال شخصیت مرزی از بی‌ثباتی عاطفی، حالات افسردگی توأم با احساس پوچی و بی‌حوصلگی، رفتارهای تکانه‌ای، اختلال هویت، خشم شدید نامتناسب و گاه دوره‌های کوتاه مدت جنون رنج می‌برند. ارتباطات بین فردی آنان بی‌ثبات است و انگیزه‌های ضرر به خود، حداقل در زمینه‌هایی از جمله هرزگی جنسی دارند (ستوده و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۷۰). به‌عنوان مثال افراد دارای خصلت و منش جنسی و جنسیتی خاص مقادیر زیادی از هورمون‌ها را به صورت غیرقانونی استفاده می‌کنند بدین نحو که با مراجعه همزمان به چند پزشک، دزدی، خرید از خیابان یا حتی استفاده از هورمون‌های دامپزشکی، هورمون‌های مورد مصرف خود را تهیه می‌کنند (رئیس و ناصحی، ۱۳۸۳: ۱۳۶). اختلال شخصیت مرزی و ویژگی‌های آن به طور معناداری با بزه‌دیدگی و رفتار خود آسیب‌زنی غیر خودکشی ارتباط دارند (محمدی‌فر و همکاران، ۱۳۹۲: ۹۲). وجود تضاد در ظاهر و هویت فرد ممکن است باعث ایجاد تنش و استرس شده و حتی نمود بیرونی پیدا کرده و افراد دارای کوئیر را به آماج بزه‌دیدگی سوق دهد.

### ۳-۳- رویکرد بزه‌دیده‌شناختی به اشخاص دارای خصلت و منش

#### جنسی جنسیتی خاص

#### ۳-۱- مرحله تحقیقات مقدماتی

جایگاه مهمی دارد و عنصری مهم در فرایند کیفری است که به دنبال وقوع جرم دچار آسیب بدنی، روانی و مالی شده است. با توجه به موانعی که بزه‌دیدگان در جهت دسترسی به نظام عدالت کیفری دارند، بدیهی است که حمایت از آنها، در جهت تسهیل دسترسی به این ساختارها، امری ضروری است. بزه‌دیدگان برخی نیازهای عملی و عاطفی مانند مشورت، آگاهی از تحقیقات قضایی، آیین دادرسی دادگاه و جبران خسارت دارند، قربانیان جرم از نخستین برخورد با پلیس تا روبه‌رو شدن با آیین دادرسی پیچیده و گاه گیج‌کننده دادگاه، نیازهایی دارند. برای رفع این نیازها یا کاهش تأثیر لطمات روحی آنان برخی مقدمات یا خدمات وجود دارد. مقامات عدالت کیفری برای پیشگیری از جرم باید به این نیازها و نیز اصلاحات مؤثر برای وضع قربانیان از نظام عدالت کیفری به‌عنوان یک اولویت نگاه کنند و سیاست ملی پیشگیری از جرم نیز هماهنگ با دیدگاه بزه‌دیده‌محوری بر کل نظام عدالت کیفری حاکم گردد لذا حمایت‌هایی که از کوئیرها در مرحله دادرسی می‌شود به شرح ذیل بیان می‌گردد.

### ۳-۲-۱- بازشناسایی حق بزه‌دیدگان دارای خصلت و منش جنسی - جنسیتی خاص

از مهم‌ترین مؤلفه‌های حمایت از بزه‌دیده از جمله بزه‌دیده‌های کوئیر به رسمیت شناختن حق شکایت و طرح دعوی از سوی وی است. با وقوع جرم، ارتباط بزه‌دیده کوئیر با دستگاه عدالت کیفری آغاز می‌گردد. با به جریان افتادن فرآیند دادرسی کیفری، حساسیت و ضرورت حمایت از بزه‌دیده در این مسیر آشکار می‌گردد. اهمیت موضوع حمایت از بزه‌دیده و ارتباط نزدیک آن با فرآیند کیفری، ضرورت توجه به نقش و جایگاه بزه‌دیده در این فرآیند و تحقق یک سیاست کارآمد در حمایت از بزه‌دیدگان را نمایان می‌سازد؛ چرا که به دنبال ارتکاب جرم و رخداد بزه‌دیدگی، قربانی به دستگاه عدالت کیفری مراجعه می‌کند و بدین‌سان، بزه‌دیده به‌عنوان یکی از کنش‌گران اصلی پدیده مجرمانه وارد فرآیند دادرسی می‌گردد.

### ۳-۲-۲- حق استفاده از وکیل دادگستری

یکی از حمایت‌هایی که از بزه‌دیده در فرایند دادرسی کیفری صورت می‌گیرد، حق دسترسی به وکیل دادگستری است. حق انتخاب وکیل مدافع یکی از مهم‌ترین اصول دادرسی عادلانه می‌باشد. زیرا همه انسان‌ها حقوقدان نیستند. حق دسترسی به وکیل مدافع در نظام حقوقی ایران در قانون اساسی، قوانین موضوعه عادی و رویه‌های قضایی و دکترین حقوقی، به اشکال گوناگون به رسمیت شناخته شده است. حق دسترسی به وکیل در قانون اساسی به طور مطلق و بدون هرگونه قید و محدودیتی مقرر شده و دادگاه‌ها نیز مکلف به پذیرش وکیل منتخب مردم و به تجویز مقرر در اصل ۳۵ آن و فراهم آوردن شرایط انتخاب وکیل از سوی افراد فاقد توانایی، در راستای حق بر معاضدت قضایی و حقوقی شده‌اند. در فقه نیز حق دسترسی به وکیل به رسمیت شناخته شده است. حق استفاده از وکیل دادگستری یک حق عمومی بوده و کوئیرها نیز می‌توانند از این حق استفاده نمایند.

### ۳-۲-۳- دسترسی به عدالت و رفتار منصفانه در فرایند دادرسی

در برخی موارد ممکن است رفتار تبعیض‌آمیز با این افراد در مقایسه با سایرین نزد متصدیان امر شدت بیشتری به خود گیرد و خودسرانه بازداشت شوند. در برخی موارد در صورت دستگیری از سوی ضابطین و یا حضور در نزد قضات بعد از برخورد نامناسب و یا توهین و تحقیر تحت فشار قرار گیرند که عمل تغییر جنسیت را انجام دهند؛ اجتماعات آنان مورد ظن مأمورین دولتی است اگر چه ممکن است هیچ عمل غیر قانونی انجام ندهند اما با آنان برخورد می‌شود (نجفی توانا و همکاران ۱۳۹۴: ۸).

کوئیرها مخصوصاً دگرباشان و برخی دو جنسه‌ها چنانچه در بازداشت به سر ببرند در بازداشتی نگهداری می‌شوند که با جنسیت حقیقی آنها منافات دارد. این موضوع خطر آزار و اذیت را در مردان تراجنس بیشتر می‌کند و از طرف دیگر به لحاظ عدم تغییر جنسیت امکان نگهداری آنان در بازداشتگاه زنان میسر نمی‌باشد. ممکن است ضرب و جرح فیزیکی، رفتارهای تبعیض‌آمیز توأم با انتقام آنان را از دسترسی به عدالت منصرف کند. همچنین به جهت تعصب‌های ریشه‌دار

چه بسا شهود جهت اقامه شهادت در محکمه حاضر نشوند چراکه عدم حضور خود را به تشبهای عصبی و عاطفی ناشی از حضور خود ترجیح می‌دهند. همچنین بزه‌دیده به‌عنوان بهترین منبع اطلاعات در مورد رخداد مجرمانه می‌تواند در جهت انجام هرچه بهتر تحقیقات و دادرسی به مقامات قانونی کمک کند و علی‌الخصوص بزه‌دیدگان جرایم خشونت‌بار، بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر از این منظر باید مورد توجه بیشتر باشند. بنابراین اگر احساس امنیت بیشتر باشد بزه‌دیدگان و شهود تمایل بیشتری به همکاری با مقامات مربوط خواهند داشت.

### ۳-۲-۵- امکان جبران خسارت و ترمیم

بی‌تردید، واکنش اجتماعی در برابر بزه کار کوئیر ازار، اهمیتی به اندازه خود پدیده کوئیر آزاری دارد و موفقیت نهاد عدالت کیفری در پیشگیری از آن تا حدود زیادی مبتنی بر موفقیت در تعیین مجازات برای بزه‌دیده می‌باشد. نظام عدالت کیفری افتراقی باید بر این مهم متمرکز باشد تا فرد مورد بحث که در اثر بزه‌دیدگی، متحمل ضرر و زیان‌های مادی و معنوی می‌گردد، به طریقی منصفانه جبران صدمات ناشی از بزه بر وی محقق گردد. در ابتدا لازم است که خسارات متحمل بر فرد کوئیر و ترمیم آن را بر اساس قاعده فقهی لاضرر توجیه نمود. زیان‌های ناشی از سو استفاده جنسی بر جسم آنان، جرایم ناشی از نفرت منجر به ضرب و جرح و تخریب، تغییر جنسیت اجباری و همچنین ازدواج اجباری می‌تواند از جمله خساراتی باشد که در کنار آسیب به روان این افراد بر جسم و اموال آنان نیز وارد می‌آید. بنابراین، افراد کوئیر که حقوقشان نقض شده است این حق را دارند که در زمان مقتضی و با توسل به شیوه‌های عادلانه، کم هزینه و قابل دسترس، در صدد جبران صدمات وارده برآیند. بی‌شک، جبران صدمات از رهگذر ابزارهای مالی تأثیر شگرفی در التیام لطمات وارده بر فرد و خانواده‌اش و توانبخشی و بازگرداندن وی به وضعیت پیش از ارتکاب جرم و به همین ترتیب، بازپروری بزهکار و پیشگیری از اقدامات مجدد زیانبار وی خواهد داشت.

بدیهی است وضعیت فرد کوئیر که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان شده است با پیش از وقوع جرم تفاوت دارد، احیاناً دیگر نمی‌تواند زندگی عادی خود را ادامه داده و در تحصیل و

دسترسی آنها به وکیل و مساعدت حقوقی با مشکل مواجه شود. در وهله اول نظام عدالت جنایی این افراد را به دور از هرگونه تعصب و تبعیض به‌عنوان بزه‌دیده واقعی بشناسد و خود را موظف بداند تا برخی حقوق را نسبت به آنان اعمال کند: حق دسترسی فوری به نظام عدالت کیفری؛ حمایت‌های رایگان برای کشف جرم؛ لزوم پذیرش به درخواست تغییر؛ مداخله سازمان‌های مردم نهاد؛ حمایت و دخالت مستقیم دادستان بر حق بزه‌دیده فاقد قییم؛ حفظ هویت و امنیت او؛ حق داشتن وکیل؛ و استمرار و تسریع در تحقیقات. این اقدامات توسط نظام عدالت جنایی می‌تواند با تنظیم سیاست‌های جنایی افتراقی و با همکاری سایر نهادهای حمایتی و درجهت احقاق حقوق تضییع شده این افراد و حمایت بیشتر از آنان به‌عنوان بزه‌دیده خاص صورت بپذیرد هرچند به نظر می‌رسد بزهکاری این طیف چندان مورد دغدغه مسؤلین قانونی و قضایی نبوده است و این خلأ و ناکارآمدی به واسطه عدم برخورداری از اقدامات لازم و نیز آموزش قضات و مسؤلین اجرایی در سطح دادسرا دادگاه و زندان‌ها نیز است. در نتیجه لازم است اقداماتی از قبیل آموزش قضات و مأمورین در جهت درک بهتر و برخورداری از رفتار مناسب و بدون تعصب که تأثیر بسزایی در عملکرد دستگاه قضا خواهد داشت به عمل و همچنین جداسازی آنان از سایر بزهکاران و جداسازی فضای استراحت این افراد امری مؤثر در جهت حصول بهبود شرایط آنان نیز فراهم می‌گردد.

### ۳-۲-۴- احضار بزه‌دیده، شهود و مطلعان

احضار بزه‌دیده، شهود و مطلعان از تمهیدات تقنینی قانون‌گذار بوده و به کوئیرها اختصاص ندارد. البته باید امنیت بزه‌دیده‌های کوئیر و شهود تأمین شود. بزه‌دیده و شهود وی باید در همه مراحل از لحاظ جانی و مالی امنیت داشته باشند. تأمین امنیت از اقداماتی است که منجر به کاهش نگرانی‌های بزه‌دیدگان، حفاظت از هویت و زندگی خصوصی آنان می‌شود (رایجیان اصلی، ۱۳۹۰: ۵۶). احساس ناامنی در بزه‌دیده ممکن است به یک بحران منتهی گردد که دوباره به شکل یک آسیب روانی یا درد و رنج عاطفی ظاهر شود. این حالت در مورد شهود بزه‌دیدگان هم صادق است و عدم امنیت آنان ممکن است آنها را دچار مشکلات روحی یا عاطفی کند و

#### ۴- رویکرد سیاست جنایی ایران به کوئیرها

در حال حاضر و در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ کوئیرها به‌عنوان یک «طیف خاص آسیب‌پذیر»، مورد توجه قانون‌گذار نبوده و در قوانین قبلی نیز رویه قانون‌گذار به همین شکل بوده است. به بیان بهتر، «قانون‌گذار ایرانی تدابیری جهت مبارزه با بزه‌دیدگی کوئیرها که شاید عمدتاً درگیر جرایم جنسی می‌گردند و در وهله اول منحرف جنسی و از منظر قانون، مجرم جنسی محسوب می‌شوند، پیش‌بینی نکرده است» (شاملو، ۱۳۷۲: ۵۲) و هیچ‌گونه سیاست جنایی افتراقی اتخاذ ننموده و تنها در مواد ۲۳۳، ۲۳۵، ۲۳۷ و ۲۳۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و تبصره‌های آن با جرم‌انگاری لواط، تفخیز، مساحقه و هم‌جنس‌گرایی به موضوع منحرفین جنسی پرداخته است؛ درحالی که کوئیرها منحرفین جنسی محسوب نمی‌شوند. لازم به ذکر آنکه، حیطة جرایم ارتكابی توسط کوئیرها محدود به جرایم جنسی نمی‌شود و آنها نیز همانند سایر افراد جامعه تحت تأثیر عواملی که بیشتر به‌عنوان عوامل مؤثر بر ارتكاب جرم توضیح داده شد، بزه‌دیده سایر جرایم واقع می‌شوند که در قانون ما آثاری از به‌کارگیری سیاست جنایی افتراقی از طریق اقدامات کنشی و واکنشی با جنبه‌های پیشگیرانه، ارعابی و بازدارنده نسبت به این قشر آسیب‌پذیر مشاهده نمی‌شود. به دلیل عدم اتخاذ سیاست جنایی افتراقی نسبت به این اشخاص، ملاکی در خصوص تعیین مسؤلیت کیفری آنها در صورت بزه‌کار بودن نیز وجود ندارد.

در سطح سیاست جنایی قضایی نیز همانند سیاست جنایی تقنینی، تدابیر و رویه‌های خاصی برای کوئیرها پیش‌بینی نشده است چراکه رسیدگی به بزه‌دیدگی این اشخاص در وهله اول مستلزم شناخت کامل و درک صحیح سیستم قضایی از این نوع اختلال و عدم خلط آن با منحرفین جنسی است. به عبارت دیگر، این دسته از مرتکبین در دستگاه قضایی از امکانات و موقعیت‌های مناسب از مرحله ورود اتهام، تعقیب و تحقیق تا رسیدگی و صدور حکم و سپری کردن دوران محکومیت برخوردار نیستند. چراکه در مباحث کیفری و خصوصاً جرایم ارتكابی این طیف که غالباً با بازداشت آنها همراه است، نیاز به پیش‌بینی اقدامات لازم برای جلوگیری از سوءاستفاده از این اشخاص در دوران بازداشت و عدم اتخاذ

کسب و کار و سایر موارد موفق باشد. حال سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا در موارد وقوع جرم علیه فرد کوئیر، در حقوق ایران در مورد ضرر و زیان‌های معنوی با توجه به آثار روانی جرم از جمله، عدم توانایی لذت از زندگی، بیماری‌های روانی و بیماری‌های جسمی ناشی از استرس مثل شب‌ادراری، اعتماد به نفس کم، مشکلات یادگیری مثل عدم تمرکز و انزوا و... که تأثیرات آن مدتی بعد از ارتكاب جرم ظاهر می‌شود، راهکارها و تدابیر قانونی اندیشیده شده است؟

ماده ۱۴ ق آدک ۱۳۹۲ نیز تصریح بر این امر دارد که شاکی می‌تواند جبران تمام ضرر و زیان‌های مادی و معنوی و منافع ممکن‌الحصول ناشی از جرم را مطالبه کند. قانون آ.د.ک ۱۳۹۲ در تبصره ۱ ماده ۱۴ مقرر نموده: «زیان معنوی عبارت از صدمات روحی، هتک حیثیت و اعتبار شخصی، خانوادگی یا اجتماعی است». دادگاه می‌تواند علاوه بر صدور حکم به جبران خسارت مالی، به رفع زیان از طریق دیگر از قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جرایم و امثال آن حکم نماید. با مذاقه در تعریف ذکر شده در مقرر مذکور، این آورده حاصل می‌آید که قانون آ.د.ک ۱۳۹۲، صرفاً به ذکر تعریف خسارت معنوی بسنده ننموده‌اند و به نحوه جبران و رفع این گونه صدمات نیز پرداخته‌اند. بدین‌سان بعد از ارتكاب جرم بر فرد کوئیر مطابق تبصره ۱ ماده ۱۴ قانون آ.د.ک ۱۳۹۲ می‌توان از طریق ملزم نمودن مرتکب جرم به عذرخواهی از بزه‌دیده و درج حکم در جرایم به رفع این گونه ضرر و زیان‌های معنوی پرداخت و موجبات ترمیم و آسودگی خاطر بزه‌دیده را فراهم نمود. می‌توان ادعان داشت که رفع صدمات روحی از طریق انتشار حکم در جرایم راه حل مناسبی است اما برای رعایت عدم افشاء هويت و اطلاعات بزه‌دیده به خاطر تأمین امنیت و حفظ حرمت و شخصیت وی، نام و مشخصات او در دادنامه‌ای که برای انتشار در جرایم در نظر گرفته می‌شود حذف خواهد شد، همچنین، این حکم در موارد معین حسب نظر دادگاه و مطابق صلاحدید بزه‌دیده صورت گیرد، چه‌بسا آثار روحی و روانی ناشی از انتشار حکم در جرایم از آثار روحی و روانی خود جرم نیز بیشتر باشد. با حذف مشخصات بزه‌دیده در حکم و انتشار آن در جرایم می‌توان به رفع این گونه صدمات پرداخت.



تحت نظر سازمان بهزیستی است بتواند با جنسیتی که حقیقت خود را در آن می‌بیند به صورت واقعی زندگی کند (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۹۰: ۸). در صورتی که این دوره با موفقیت طی نشود، از نظر سازمان بهزیستی اگر هم این شخص دارای اختلال روانی باشد، نیاز به عمل جراحی نداشته و اختلال او به طریق دیگری باید درمان شود. لازم به ذکر آن که سازمان بهزیستی کشور پس از انجام عمل جراحی تغییر جنسیت نیز ارتباط خود با شخص را قطع نمی‌کند و کماکان شخص را تحت نظارت و کنترل برای ورود به زندگی جدیدش دارد. نهاد اجتماعی دیگر در این زمینه انجمن حمایت از بیماران مبتلا به اختلال هویت جنسی ایران می‌باشد که در سال ۱۳۸۶ ثبت و تأسیس شده است و مؤسسين آن را روان‌پزشکان و روان‌شناسان پزشکی قانونی و جمعی از فعالان اجتماعی تشکیل می‌دهند که در مجموع، هدف آن ارائه و دنبال کردن مطالبات و راهکارهایی به جهت نیل به مسائل حقوقی، درمانی، معیشتی، مشاوره‌های مستمر و پیگیر تا رسیدن به یک زندگی متعارف بعد از عمل جراحی در زمینه‌های مختلف، ایجاد محیط و در نهایت سپردن مدیریت این مجموعه و ساختن سرنوشت این بیماران به دست خودشان است.

### نتیجه‌گیری

مهم‌ترین دستاورد مقاله حاضر، توجه قانونگذار به اتخاذ رویکرد افتراقی در حمایت از بزه‌دیدهای کوئیر است. در هر جامعه اقشار و طیف‌های مختلفی زندگی می‌کنند که در پیشگاه قانون همگی با یکدیگر برابر هستند. در این میان، گروهی آسیب‌پذیر تحت عنوان کوئیرها وجود دارند که آنها نیز متعلق به جامعه هستند. این افراد به دلایل طبیعی یا محیطی دچار این نوع اختلال شده‌اند و خود را متعلق به یکی از هویت‌های جنس مرد و زن نمی‌دانند. از منظر بزه‌دیده‌شناسی نخستین، اختلال روانی حادث شده برای این طیف، آنها را در معرض بزه‌دیدگی قرار می‌دهد. از منظر بزه‌دیده‌شناسی دومین، حمایت از بزه‌دیدگان یکی از اهداف نظام عدالت کیفری می‌باشد. همین امر نیز باعث شده تا حمایت از بزه‌دیدگان و توجه به حقوق و منافع آنها در کلیه مراحل رسیدگی به‌عنوان یکی از وظایف نظام دادرسی

رفتارهای تبعیض آمیز در مرحله دادرسی و دادگاه وجود دارد (نجفی توانا، ۱۳۸۶: ۴۵). اما علیرغم سیاست جنایی تقنینی و قضایی، در سطح سیاست جنایی اجرایی به منظور حمایت از کوئیرها اقدامی مفید صورت گرفته است که می‌تواند به پیشگیری از بزهکاری این افراد کمک شایانی کند. در حال حاضر، سازمان‌ها و نهادهایی در سطح داخلی تماماً یا گوشه‌ای از فعالیت‌های خود را به این طیف اختصاص داده‌اند. سازمان بهزیستی از جمله نهادهای فعال در این زمینه است که با پیش‌بینی بخش آسیب‌های اجتماعی و تدوین دستورالعمل حمایت‌های اجتماعی از مبتلایان به اختلال هویت جنسی، به مبتلایان به این اختلال خدمات متفاوتی از جمله مشاوره‌های روان‌شناسانه و ارجاع به روان‌پزشکی ارائه می‌کند تا ضمن طی کردن مراحل روان‌درمانی، مسأله تغییر جنسیت آنها بررسی شود.

بدین ترتیب در صورتی که با برقراری جلسات مختلف روان‌درمانی و نظارت و کنترل‌های لازم وفق دستورالعمل مربوطه، سازمان ابتلا به این نوع اختلال را تشخیص دهد، شخص مبتلا جهت طی نمودن مراحل روان‌درمانی به پزشکی قانونی معرفی می‌شود که انستیتو روان‌پزشکی ایران به طور خاص این افراد را تحت نظارت قرار می‌دهد تا پس از انجام آزمایش‌های متعدد، تشخیص مقتضی در خصوص نیاز به عمل جراحی تغییر جنسیت یا عدم آن صادر شود.

علاوه بر مواردی که سازمان بهزیستی به پزشکی قانونی معرفی می‌کند، اشخاص کوئیر از جمله ترنس‌سکشوال‌ها و دو جنسه‌ها ممکن است جهت دریافت مجوز عمل جراحی تغییر جنسیت و اصلاح جنسیت به دادگاه خانواده مراجعه کنند.<sup>۱</sup> مراتب باید توسط سازمان پزشکی قانونی مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت و در صورت تأیید آن مرجع و با حکم قطعی دادگاه عمل جراحی تغییر جنسیت صورت می‌پذیرد. آنچه که نباید به فراموشی سپرده شود، دوران زندگی منطبق با جنسیت واقعی آنها است که شخص مبتلا باید در دورانی که

<sup>۱</sup> طبق بند ۱۸ ماده ۴ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۲ این صلاحیت بدان تفویض شده است. ماده ۴ این قانون مقرر می‌دارد: «رسیدگی به امور و دعاوی زیر در صلاحیت دادگاه خانواده است: ... بند ۱۸- تغییر جنسیت».

ارتقای بینش اعتقادی و مذهبی آحاد جامعه به دور از هرگونه عقاید افراطی و با رویکردی منطقی و صحیح نسبت به این اقشار، و همچنین عدم برچسب بیماری و یا انحراف و جلوگیری از هرگونه سوء استفاده جنسی و خشونت و استفاده از تجارب دیگر کشورهای اسلامی و شناسایی مفاهیم آموزه‌های دینی و فرهنگی و همچنین اقدامات همه جانبه پژوهشی، قضایی، در جهت مقابله با جرایم ناشی از نفرت و خشونت‌آمیز در قبال اقشار کوئیر، می‌تواند از مهم‌ترین مؤلفه‌ها از منظر فقهی در خصوص بزه‌دیده‌شناسی آنان قابل بحث و بررسی باشد.

به منظور رفع معضلات و نواقص پیش گفته شده، مواردی به شرح ذیل پیشنهاد می‌شود:

- توجه به اظهارات بزه‌دیده و شنیدن گزارش وی در نهایت احترام درباره آثار بزه‌دیدگی؛

- فراهم کردن شرایط لازم برای دسترسی به عدالت از قبیل حق برخورداری از وکیل؛

- آموزش قضات در جهت درک صحیح و خودداری از برخورد نامناسب و بدون تعصب که تأثیر به‌سزایی در عملکرد دستگاه قضایی خواهد داشت؛

- آموزش هرچه بیشتر مأمورین زندان، ایجاد مقررات و دستورالعمل‌های لازم و تعیین ضمانت‌های اجرایی جدی برای نقض آنها که می‌تواند کمک شایانی به کاهش آسیب‌های این اشخاص باشد؛

- پیش‌بینی معیارها و ضمانت‌های اجرایی غیر سالب آزادی و تأسیساتی چون مجازات‌های جایگزین حبس برای مبارزه با بزهکاری این اشخاص، تا از بزه‌دیدگی آنها در دوران حبس از طریق سوء استفاده جنسی یا رفتارهای نامناسب مأمورین پیشگیری شود؛

- در سطح زندان‌ها نیز جداسازی این اشخاص از سایر بزهکاران و جدا کردن فضای استراحت آنها از طریق کاهش ارتباط با سایر بزهکاران در جهت پیشگیری از بزهکاری آنان که بسیار مؤثر خواهد بود؛

شناخته شود. در فقه و حقوق کیفری ایران بزه‌دیده مورد حمایت است اما رویکرد افتراقی در خصوص کوئیرها وجود ندارد. در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ بزه‌دیدگان نیازمند حداکثر حمایت بوده و لذا مقررات این قانون بایستی باهدف پیشگیری از بزه‌دیدگی دومین اعمال شود. بزه‌دیدگی دومین نیز به نامالایمات و سختی‌هایی که بزه‌دیده ممکن است در مراجع پلیسی و قضایی و اداری در ارتباط با شکایت، اقدام و حضورش در آن مراجع متحمل شود اشاره دارد. ضرورت جبران خسارت بزه‌دیده که از آموزه‌های مکتب عدالت ترمیمی است، در دادرسی‌های کیفری به لحاظ شدت، اهمیت و گستردگی جرایم ضرورت بیشتری می‌یابد. هم از نظر شکلی و هم از نظر ماهوی، قواعد و مقرراتی در جهت تأمین این منظور تصویب و وضع گردیده است، از مرحله تعقیب در نزد ضابطین دادگستری و مقامات دادسرا در سیستم قضایی، تا مرحله دادرسی و صدور حکم و تجدیدنظر و اجرای حکم، حکایت از توجه به اهمیت نقش بزه‌دیده در روند عدالت جنایی و حفظ منافع و حقوق وی دارد. به نظر می‌رسد، بزه‌دیدگی کوئیرها، موردنظر و دغدغه دست اندرکاران قانونی و قضایی نبوده است. علاوه بر آن، در سطح قضایی نیز دستگاه قضایی کشور از شرایط لازم برخوردار نیست و نیز قضات و مسؤولین اجرایی در سطح دادسرا، دادگاه، زندان‌ها، بازداشتگاه‌ها و سایر مراکز ذی‌ربط در این خصوص آموزش لازم ندیده‌اند. دلیل این امر در وهله اول نشأت گرفته از خلأ قانونی و پس از آن، نادیده گرفتن حقوق این اشخاص و عدم توجه به موقعیت آنها در آیین نامه‌ها و دستورالعمل‌های داخلی دستگاه‌های اجرایی کشور است. زیرا تعامل سیاست جنایی تقنینی و قضایی به گونه‌ای است که سیاست جنایی تقنینی بدون بسترهای لازم و اجرای صحیح در سطح سیاست جنایی قضایی به ثمر نخواهد نشست زیرا سیاست جنایی قضایی همانا ابزار لازم برای اجرای سیاست جنایی تقنینی است که در حال حاضر در مسأله بزه‌دیدگی کوئیرها به دلیل عدم اتخاذ سیاست جنایی تقنینی مشخص و شفاف برای این اشخاص، در سطح سیاست جنایی قضایی نیز نارساییهایی وجود دارد که نتیجه احتمالی آن همانا تضییع حقوق نخستین این افراد در فرض بزه‌دیدگی است.

- ستوده، هدایت الله؛ میرزایی، بهشته و پازند، افسانه (۱۳۸۵).  
روان‌شناسی جنایی. چاپ دوم، تهران: نشر آوای نو.

- شاملو، سعید (۱۳۷۲). مکتب‌ها و نظریه‌ها در روان‌شناسی شخصیت. چاپ چهارم، تهران: انتشارات رشد.

- عباسیان، پیمان؛ ملک‌پور، سمانه و رحیق اغصان، نسیم (۱۳۹۸). «حقوق بیماران ترانس سکسوال بعد از تغییر جنسیت در قانون ایران». *مجله فقه و حقوق معاصر*، ۵ (۸): ۳۲۲-۳۳۸.

- کاپلان، بنجامین جیمز و سادوک، ویرجینیا آلکوت (۱۳۹۲). خلاصه روان‌پزشکی. ترجمه فرزین رضاعی و محسن ارجمند، جلد دوم، چاپ پنجم، تهران: نشر ارجمند.

- کلارنس، ج. راو (۱۳۶۹). مباحث عمده در روان‌شناسی. ترجمه جواد وهاب زاده، چاپ اول، تهران: نشر آموزش.

- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۱). «افسردگی و اعتیاد: کاربرد مقیاس افسردگی معتادان خود معرف به مراکز ترک اعتیاد و بازپروری». *فصلنامه سوءمصرف مواد مخدر*، ۱ (۱): ۲۹-۵۳.

- محمدی فر، محمدعلی؛ زارعی مته‌کلایی، الهه؛ نجفی، محمود و منطقی، محمود (۱۳۹۲). «مقایسه ویژگی‌های شخصیت مرزی، خشم، خصومت و پرخاشگری در معتادان با و بدون افکار خودکشی». *فصلنامه سوءمصرف مواد*، ۷ (۲۸): ۸۹-۱۰۰.

- مظفری‌زاده، مسعود (۱۴۰۱). «دیدگاه فقهی حقوقی به بیماران دارای اختلال هویت جنسی قبل و بعد از تغییر جنسیت». *مجله مطالعات حقوقی*، (۲۷) ۱۲۵-۱۵۶.

- مهرآور مؤمنی، جاوید و شعاع کاظمی، مهرانگیز (۱۳۹۰). «مقایسه ویژگی‌های شخصیتی افراد مبتلابه اختلال هویت جنسی و افراد بهنجار». *فصلنامه پژوهش اجتماعی*، ۴ (۱۳): ۸۴-۹۴.

- استفاده هر چه بهتر از ارگان‌های روان درمان از قبیل مددکاران اجتماعی، روانشناسان و روانپزشکان در جهت جلوگیری از اضطراب انزوا و طردشدگی و در نتیجه پیشگیری از خودکشی آنان و همچنین درک صحیح جامعه و اطرافیان از شرایط این افراد در جهت بهبود اوضاع زندگی و حصول تغییرات مثبت در این اشخاص؛

- اطمینان از دسترسی به خدمات اساسی اجتماعی اқشار کوئیر شامل حق بر استخدام، خدمات درمانی بدون وجود تبعیض، فراهم کردن سطح آموزش و پرورش و الزام در جهت جلوگیری از هرگونه بدنام سازی اقلیت‌های جنسی در جامعه؛

- عدم اطلاق قید منحرف جنسی، و بیمار اعصاب و روان در راستای اشتغالزایی و بهبود شرایط کسب و کار این اқشار در محیط شغلی.

**ملاحظات اخلاقی:** در پژوهش انجام شده، حفظ اصالت متون و امانت‌داری در نقل گفتار، به‌عنوان مهم‌ترین بایسته‌های اخلاقی، مورد نظر نویسندگان بوده است.

**تعارض منافع:** تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

**سهم نویسندگان:** در این پژوهش، همه نویسندگان سهم برابر در نگارش داشتند.

**تشکر و قدردانی:** از همه بزرگوارانی که در نگارش این مقاله، راهنمایی داشتند، نهایت قدردانی و تشکر را دارد.

**تأمین اعتبار پژوهش:** این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

#### منابع و مأخذ

- دیوسالار مهاجر، سوفیا؛ دیوسالار، بیت‌اله و ملایی کندلوس، فخراله (۱۴۰۰)، «قصاص دوجنسی‌ها در اسلام». *تحقیقات حقوقی بین‌المللی*، ۱۴ (۵۲): ۱۶۵-۱۴۵.

- رئیسی، فیروزه و ناصحی، عباسعلی (۱۳۸۳). *اختلال هویت جنسی*. چاپ اول، تهران: نشر تهران صدا.

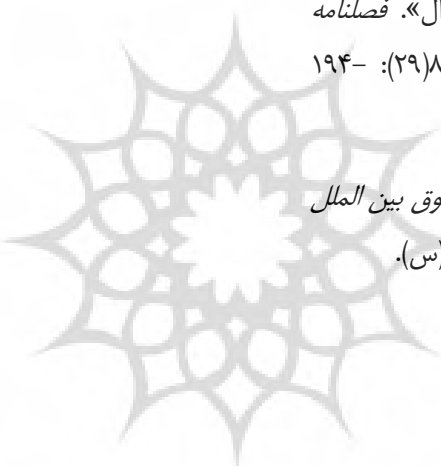
- موحد، مجید و حسین زاده کاسمانی، مرتضی (۱۳۹۱). «رابطه اختلال هویت جنسی با کیفیت زندگی». رفاه اجتماعی، ۴۴: ۱۱۱-۱۴۲.

- نجفی ابرند آبادی، علی حسین (۱۳۹۰). *تقریرات سیاست جنایی دوره دکتری*. چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

- نجفی توانا، علی (۱۳۸۶). «تعارض و انسداد در سیاست جنایی ایران». *نشریه تحقیقات حقوقی دانشگاه آزاد اسلامی*، ۴۵: ۲۲۳-۲۷۸.

- نجفی توانا، علی و نیازمند، ندا (۱۳۹۴). «سیاست جنایی ایران در قبال بزهکاری افراد ترانس سکسوال». *فصلنامه تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل*، ۸(۲۹): ۱۶۷-۱۹۴.

- هاشمی، سیدرضا (۱۳۹۸). *تراجنسی‌ها در حقوق بین‌الملل بشر*. چاپ اول، تهران: انتشارات صحیفه الزهرا (س).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی